

رد صلاحیت همزمان مشایی و هاشمی یا تائید صلاحیت هر دو؛

کدامیک به سود کاندیدای رهبری است؟

کیانوش کسری



ویژه خبرنامه گویا

Kianwash.kasra@yahoo.com

انتخابات ریاست جمهوری پیشرو صرفنظر از تعدد کاندیداها در اصل رقابت میان سه جریان عمده است.

اصلاح طلبها به نمایندگی هاشمی، طیف هواداران دولت به نمایندگی مشایی و نماینده مورد تائید رهبر ایران که با گذشت زمان چهره ی وی مشخص خواهد شد.

سرانجام هاشمی رفسنجانی وارد صحنه انتخابات شد هر چند که در مورد تائید صلاحیت وی شک و شبهات زیادی وجود دارد اما در صورت تائید صلاحیت، فرصت دیگری در اختیار هاشمی قرار خواهد گرفت تا در دوران کهولت بتواند خود را در برابر تاریخ رو سفید کند در حالیکه در کارنامه ی سیاسی وی لکه های سیاه و تاریک کم نبوده است.

در مورد رد صلاحیت یا تائید صلاحیت وی گمانه های مختلفی مطرح است.

اینکه حاکمیت این ریسک بزرگ را متحمل شود تا یکی از ستون های خود را زیر تیغ رد صلاحیت قرار دهد و بیش از گذشته با بنیانگزاران خود بیگانه شود؛ یا اینکه با تائید صلاحیت همزمان وی و اسفندیار رحیم مشایی - که پیشتر وی نیز آماج حملات جناح حاکمیت بود - و پاشنه آشیل قرار دادن مسائل مالی هاشمی وجهه او را در انتخابات تخریب کنند و در صورت سالم برگزار شدن انتخابات، رای ها میان سه جریان اصلاح طلب، هواداران دولت و کاندیدای مورد تائید رهبری تقسیم شود و از دو قطبی شدن فضای انتخابات که به سود کاندیدای مورد تائید رهبری نیست جلوگیری کند.

سناریویی دیگری هم مطرح است و آنهم رد صلاحیت هاشمی و مشایی است.

دو قطبی شدن فضای انتخابات که یک طرف آن کاندیدای مورد تائید رهبری و طرف دیگر آن رحیم مشایی یا کاندیدای اصلاح طلبان باشد خطر شکست کاندیدای مورد تائید ولایت فقیه را می تواند بالا ببرد. پیروزی محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ در فضای دو قطبی آن روزها رخ داد.

چند قطبی شدن فضای انتخابات که باعث شکستن رای ها و کشاندن انتخابات به مرحله دوم می شود ضریب شکست برای کاندیدای مورد تائید رهبری را پایین می آورد.

بنابراین تائید صلاحیت یا رد صلاحیت همزمان دو چهره ی شاخص دولت و اصلاح طلبها یعنی هاشمی و مشایی دارای فوایدی به سود کاندیدای سوم خواهد بود.

از سوی دیگر رد صلاحیت همزمان این دو چهره توسط شورای نگهبان خالی از هزینه برای حاکمیت نخواهد بود چرا که میتواند با اعتراض هواداران این دو طیف یا به تحریم گسترده ی انتخابات منجر شود امری که با توجه به شرایط کنونی و مناقشات ایران با غرب بر سر مسئله ی هسته ای خوشایند حاکمیت نخواهد بود.

تجربه انتخابات ۸۸ نشان داد که دو نماینده عمده اصلاح طلب به نمایندگی موسوی و کروبی که رقبای اصلی کاندیدای مورد وثوق رهبری بودند تا چه اندازه چالش های جدی برای رقیب دیگر ایجاد کردند که منجر به وقایع بعد از آن شد و این مشابهتی است که می تواند بین دو جریان رقیب هم یعنی نماینده اصلاح طلبان و دولت به نمایندگی مشایی علیه رقیب سوم که مورد تائید رهبری ایران است رخ بدهد.

هاشمی یا مشایی

اما اگر شورای نگهبان رد صلاحیت یکی را در برنامه خود داشته باشد انگاه باید دید از میان دو قطبی حاضر کدامیک برای کاندیدای مورد تائید رهبری رقیبی سخت تر خواهد بود؟ دو قطبی هاشمی- کاندیدای مورد تائید رهبری یا دو قطبی مشایی – کاندیدای مورد تائید رهبری.

مضاف بر اینکه در صورت رد صلاحیت هاشمی طیف گسترده ای از طبقه متوسط شهری که از هواداران جنبش سبز و اصلاح طلبان هستند ممکن است به تحریم انتخابات روی بیاورند که در نهایت باعث کاهش شمار رای دهندگان خواهد شد و نمره ی منفی آن در نهایت در کارنامه نظام ثبت خواهد شد.

اما رد صلاحیت کاندیدای نزدیک به دولت هم برای نظام می تواند خالی از هزینه نباشد. تهدیدهای ریاست دولت به افشاگری از شخصیت های نظام یا در مورد انتخابات ۸۸ هزینه هایی کمتر از رد صلاحیت هاشمی و تحریم انتخابات از سوی هواداران وی نیست.

تمام این گمانه ها در یک صورت قابل طرح است که تضمینی در مورد سلامت انتخابات وجود داشته باشد و حاکمیت قصدش برگزاری سالم انتخابات باشد.

++++
برچیده تبرستان از خبرنامه گویا 12-5-2013

<http://news.gooya.com/politics/archives/2013/05/159920.php>